

Right to a Safe Environment in the Light of Good Governance*Hassan Khosravi¹***Abstract**

The preservation of the safe environment as fundamental human rights is one of the major duties of state in society. The functions of modern government are influenced by the ideas of people sovereignty, human rights guarantee, social welfare and the idea of good governance with the sustainable development approach. Therefore, the basic aim of the article is assessing the impact of good governance in guarantying the safe environment right. Article with descriptive-analytic approach investigate the concept and components of good governance, the relation human rights with the right to a safe environment, effectiveness of the good governance factors in guaranteeing a safe environment, human health, the efficient utilization of natural resources and environmental compensation.

The results of the research show that having applied good governance factors in society and fulfillment of the state functions and with the mechanisms of environmental education, the right of a safe environment is effectively persevered and protected.

Keywords

Good Governance, Rights, Human Rights, Safe Environment, Sate

Please cite this article as: Khosravi H. Right to a Safe Environment in the Light of Good Governance. Iran J Bioethics 2016; 6(20): 127-144.

1. Ph.D in Public Law, Assistance Professor of Law Department, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: hkh.be82@yahoo.com

حق بر محیط زیست سالم در پرتو حکمرانی مطلوب

حسن خسروی^۱

چکیده

صیانت از محیط زیست سالم به عنوان یکی از حق‌های بنیادین بشر، از جمله تکالیف عمده دولت در جامعه محسوب می‌شود. کارکردهای دولت‌های امروزی، متأثر از اندیشه‌های حاکمیت مردم، تضمین حقوق بشر، رفاه اجتماعی و ایده حکمرانی مطلوب با رویکرد توسعه پایدار می‌باشد، بر این اساس هدف اساسی مقاله، بررسی تأثیر شاخصه‌های حکمرانی مطلوب در تضمین حق به محیط زیست سالم می‌باشد. مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی، مفهوم و مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب، ارتباط حق به محیط زیست سالم با حقوق بشر، تأثیرگذاری شاخصه‌های حکمرانی مطلوب در تضمین محیط زیست سالم، سلامتی انسان، بهره‌مندی کارآمد از مواهب طبیعت، جبران خسارات زیست محیطی را بررسی می‌نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با کاربردی نمودن مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در جامعه و تحقق کارویژه‌های دولت و با ساز و کارهای آموزش زیست‌محیطی، حق به محیط زیست سالم به نحو مؤثری مورد صیانت و حمایت قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

حکمرانی مطلوب، حق، حقوق بشر، محیط زیست سالم، دولت

۱. استادیار، گروه حقوق، دکترای حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: hkh.be82@yahoo.com

مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات از عزت و کرامت انسانی برخوردار می‌باشد. غایت خلقت انسان عبودیت خداوند و طی کردن مسیر سعادت است. در راستای چنین غایتی، خداوند از وجود خود در انسان دمیده و او را جانشین خود بر روی زمین نهاد و کلیه مواهب طبیعت را نیز به وی عطا نمود تا ضمن تأمین نیازهایی طبیعی، راه کمال، سعادت و خودشکوفایی را طی نماید. با چنین نگرشی به غایت انسان، صیانت از طبیعت و نعمت‌های الهی در زمین از اهمیت شایانی برخوردار می‌گردد. بر این اساس حق به داشتن و استفاده از مواهب طبیعی و الهی، در مباحث زیست‌محیطی و دانش حقوق بشر موضوعیت پیدا می‌کند.

شاخصه اصلی جامعه به سامان و انسان سعادت‌مند، تضمین حق‌های بنیادین بشر در پرتو زیست جمعی و زمامداری مطلوب با رویکردی عادلانه خواهد بود. رفتار و عملکرد عادلانه دولت و ملت است که سعادت و خوشبختی را برای بشر به ارمغان خواهد آورد. اصل اول اعلامیه استکهلم نیز بیان می‌دارد: «انسان از حقوق بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانه را بدهد، برخوردار است او رسماً مسؤولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل‌های امروزی و آینده را بر عهده دارد» (۱). اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بیان می‌دارد: «در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست با تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا می‌کند، ممنوع است.»

محیط زیست به عنوان بستر زندگی بشر و ابزار به سعادت رسیدن وی، در گفتمان حقوقی و آموزش محیط زیست قابلیت معقولی جهت پژوهش و تحلیل دارد و به نوعی صیانت از آن موضوع حق انسان و تکلیف جامعه بشری واقع شده است. به عبارتی، محیط زیست سالم و عاری از آلودگی حق بنیادین بشری محسوب و اقدامات لازم جهت صیانت از آن تکلیف جمعی تلقی شده است، اما تضمین چنین حقی، مستلزم فراهم شدن بسترها و زمینه‌هایی است که مقاله با هدف صیانت از حق به محیط زیست سالم، کاهش خطرات زیست محیطی، تضمین امانتداری بشر از مواهب الهی و آموزش صیانت از محیط زیست، تلاش دارد به پرسش بنیادین

پاسخ دهد: آیا مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب می‌تواند موجبات تضمین حق به محیط زیست سالم را فراهم نماید؟

در راستای پاسخ‌دهی به پرسش فوق، مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از مفاهیم بنیادین حقوق بشر و آموزش محیط زیست، در پی اثبات این فرضیه است که با اجرای مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب می‌توان موجبات تضمین حق به محیط زیست سالم را فراهم نمود.

حکمرانی مطلوب (Good Governance)

ایده حکمرانی مطلوب با تأثیرپذیری از آرمان‌های مردم‌سالاری، برای اولین بار توسط بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ مطرح و به تحت عنوان «زامامداری و توسعه» در سال ۱۹۹۲ تبیین گردید. بانک جهانی با رویکرد نهادین‌نمودن توسعه کشورهای در حال پیشرفت و نقش زمامداری کارآمد در فرایند توسعه و به تبع آن توسعه و تضمین حقوق بشر، حکمرانی مطلوب را این گونه تعریف نمود: «حکمرانی خوب، شیوه‌ای است که در آن قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی جهت توسعه به کار گرفته می‌شود» (۲) و در سال ۱۹۹۷ تعریف قبلی را طی گزارشی تحت عنوان «نقش دولت در جهان در حال تحول» با هدف این که چگونه می‌توانیم به یک دولت خوب دست یابیم، باز تعریف نمود: «حکمرانی خوب در واقع پیش‌شرط ضروری توسعه محسوب می‌گردد» (۳). علت ورود بانک جهانی به عرصه زمامداری مطلوب، به نقش و فعالیت این نهاد در امر مساعدت‌های مالی و توسعه‌ای به کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته است، چراکه اجرای برنامه‌های مالی و اقتصادی بانک جهانی مستلزم وجود بسترهای مساعد در کشور مورد نظر می‌باشد که چنین بستر در زمامداری مطلوب نهفته شده است. در عمل این ایده در پی استقرار توسعه پایدار انسانی از طریق تضمین برخی مؤلفه‌های زمامداری مطلوب می‌باشد.

حکمرانی فرایندی چندمرحله‌ای و مرتبط با سایر بخش‌های زندگی اجتماعی و کارکرد دولت خوب است. در ایده حکمرانی خوب «وضع فرایندها، ساختارها و مقررات رسمی و غیر رسمی که به تعریف روش‌هایی می‌پردازند که بدان وسیله افراد و سازمان‌ها می‌توانند بر تصمیماتی که بر رفاه و کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارند، اعمال قدرت کنند» (۴). این رویکرد، حکمرانی را مرتبط با جامعه و زیست جمعی مطلوب می‌نماید به گونه‌ای که زمامداری خوب مبین «نظامی

از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند (۵). در تعریفی دیگر، راهکارها و فرایندها و نهادهایی که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا و تعهداتشان را برآورده می‌کنند (۶).

در واقع حکمرانی در سطح محلی، منطقه‌ای، دولتی و جهانی مطرح می‌شود و کلیه بخش‌های جامعه اعم از دولت، بخش عمومی و بخش خصوصی را دربر می‌گیرد. بنابراین با توجه به مفاهیم، مباحث و ادبیات طرح‌شده درباره حکمرانی خوب، می‌توان آن را معطوف به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی دانست. در این الگو سه منظر مد نظر است: نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق شهروندی در تقویت مشارکت مردمی به منظور اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی مطرح‌اند؛ بخش خصوصی عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص ملی به منظور افزایش درآمد سرانه و پویایی اقتصاد و بازار و ایجاد رفاه نسبی دیده می‌شود؛ سرانجام نقش دولت به عنوان تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ثبات و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه ارزیابی می‌شود (۷).

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲، به موجب سند برنامه عمران ملل متحد (۸) بر موضوع حکمرانی مطلوب با هدف توسعه پایدار چندمنظوره در حوزه سیاسی، اداری، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و... تأکید نموده است که «در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود. در واقع تصور بر این است همه این امور با حکمرانی خوب محقق می‌شود» (۹). قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۰) در سال ۲۰۰۰، به صورت آشکار، حکمرانی را در پیوند با بستر محیطی می‌داند که رو به سوی بهره‌مندی از حقوق بشر و رشد توسعه انسانی پایدار دارد با پیوند حکمرانی خوب و توسعه انسانی پایدار بر اصولی چون مشارکت‌جویی و ارتقای حقوق بشر تأکید می‌گردد و دستورالعمل‌های تجویزی و اجباری برای ایجاد توسعه مورد نظر نخواهد بود (۱۱).

در مجموع حکمرانی خوب مؤید این امر است که زمامداری بر اساس موازین حقوق بشر، حاکمیت مردم، توسعه پایدار، رفاه اجتماعی، عدالت در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی صورت می‌پذیرد.

حق بر محیط زیست سالم

حق به محیط زیست سالم به عنوان یکی از حق‌های بنیادین بشر تضمین بخش حق بنیادی‌تری به نام حق حیات و حق سلامت جسم و روح می‌باشد (۱۳-۱۲). به تبع، صیانت و پاسداری از این حق منجر به حفظ تعادل جسمی و روحی بشر می‌گردد. صیانت از بهداشت و سلامت انسان نیازمند اشتراک مساعی جهانی است. از این رو پاسداری و جلوگیری از آلودگی‌های دریایی، زمینی و هوایی و فضایی وظیفه‌ای است که به عهده همه ملت‌ها و دولت‌ها گذارده می‌شود.

از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست و با توجه به اعلامیه‌های ارزشی استکهلم، ریو، ژوهانسبورگ و سایر عهدنامه‌های زیست‌محیطی (۱۴)، مفهوم حق از جمله حق بر محیط زیست به مانند سایر مفاهیم اخلاقی از قبیل عدالت، خیر محصول تجربه حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انسان‌ها در جامعه‌ای انسانی است (۱۵). مواد ۱۴ و ۱۵ پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی در بیان حق بر محیط زیست سالم بیان می‌دارد: «هر انسان و کلیه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و حقوقی بر خوردار گردند. دولت‌های عضو متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و به زیستی جمعی صدمه وارد کنند، صدمه‌ای که برای توسعه جمع ضروری باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می‌گردد» (۱۶).

حق بر محیط زیست سالم نقش مهمی در تضمین سلامتی انسان و زندگی عاری از آلودگی خواهد داشت. چنین رویکردی «رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر» (۱۷) را به ذهن متبادر می‌نماید، «زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می‌تواند وسیله‌ای جهت رسیدن به حفاظت از محیط زیست باشد. حقوقی مثل حق حیات، آزادی بیان، مشارکت سیاسی، برابری و... شامل ابزارهای قانونی بین‌المللی هستند که حفاظت بیشتر از محیط زیست را می‌طلبند. به همین جهت، برخی از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که برای برخورد با مسائلی که از طریق نابودی تدریجی محیط زیست گریبان‌گیر بشر می‌شود، حق جدیدی در چارچوب حقوق بشر، مبنی بر «حق بر محیط زیست» یا «حق بهره‌مندی از محیط زیست شایسته، سالم و امن» شناسایی شود» (۱۸). حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم، در درون خود متضمن چند حق دیگر است که عبارتند از (۱۹):

۱- حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، از یک طرف به حق افراد در کسب اطلاعات زیست‌محیطی بدون هیچ محدودیتی اشاره دارد و از طرف دیگر اشاره به تکالیف دولت‌ها در واگذاری این اطلاعات به افراد جامعه دارد.

۲- حق دیگری که در چارچوب حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم باید از آن سخن گفت، حق آموزش مسائل زیست‌محیطی است. این وظیفه دولت‌هاست که نسبت به آموزش مسائل محیط زیست به افراد جامعه اقدام کنند. این عمل می‌تواند از طریق مدارس، کتاب‌های آموزشی و رسانه‌های عمومی انجام پذیرد.

۳- حق دسترسی به جبران خسارت یکی دیگر از تقسیمات حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم است. بر این اساس هر شهروندی باید، حق دسترسی به مراجع قضایی و جبران خسارات زیست‌محیطی را داشته باشد (۲۰).

محیط زیست با مفهوم حقوق بشر پیوند عمیقی دارد. حقوق بشر مؤید نیازها و مطالبات ذاتی و فطری بشری است (۲۱) که به طور واحد در خدمت تضمین ثبات ماهیت وجودی انسان و ارزش والای انسانی است. با تضمین یافتن قداست و مطالبات ذاتی انسان در قالب نظام حق انسان می‌تواند در جامعه بشری ضمن تأمین نیازهای انسانی مسیر تکامل و خودشکوفایی را طی نماید. در این راستا حق به محیط زیست سالم غیر قابل انفکاک از سایر موارد حقوق بشر می‌باشد. هر گونه نقض در حوزه حق به محیط زیست آثار کاملاً مستقیمی بر سایر حقوق انسان همچون حق بنیادین حیات، سلامت، درمان، بهداشت، غذا، رفاه، امنیت و... خواهد داشت. بر این اساس می‌بایست میان نسل‌های حقوق بشر یک رابطه منطقی و وابستگی متقابل را برقرار نماییم. این حقوق برای حمایت از فرد و حمایت از حق حیات در معنای وسیع خود مطرح شده و باز هم تفکیک‌شدنی نمی‌باشند. می‌توان گفت تمام این حقوق در یک سطح قرار دارند و هیچ حقی را بر دیگری ارجحیتی نیست (۲۲).

حقوق محیط زیست عمدتاً در قلمروهای دیگر حقوق بشر تأثیرگذار می‌باشد (۲۳)، به طوری که نقض حق به محیط زیست سالم، موجب نقض حقوق مذکور نیز می‌شود و در عین حال، رعایت آن‌ها به تحقق و استیفای کامل حق بر محیط زیست سالم منتهی می‌گردد، حتی در برخی موارد، گستره اعمال حقوق مذکور با مراعات حق بر محیط زیست منوط و محدود

می‌شود. حق بر بهداشت، حق مالکیت، حق کار در محیط مناسب و بهداشت، احترام به حقوق فرهنگی اقلیت‌ها از جمله حقوق بشری هستند که از ابعاد زیست محیطی برخوردارند (۲۴).

تأثیر مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب بر حق به محیط زیست سالم

ساماندهی مطلوب اجتماعی و تضمین حق‌های بشری، مستلزم زمامداری کارآمد بوده و چنین زمامداری نقش بسیار مهمی در صیانت از محیط زیست سالم و پاسداری از مواهب طبیعی و الهی ایفا می‌نماید. از این رو تلاش می‌شود به تأثیر کارآمد مؤلفه‌های زمامداری مطلوب در صیانت از حق به محیط زیست سالم بررسی و تحلیل گردد.

۱-۳- برابری و عدم تبعیض (Equality and Non-Discrimination): برابری ذاتی

از مفهوم کرامت ذاتی بشر استخراج می‌گردد. کرامت ذاتی، یعنی انسان به ماهو انسان غایت بوده و ارزشمند تلقی می‌گردد و لازمه صیانت از عزتمندی و شرافت انسان، تأمین و تضمین مطالبات و نیازهای انسانی است. برابری مفهومی است که حوزه‌های متفاوتی نظیر «برابری اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی، جنسی و نژادی» (۲۵) می‌تواند مد نظر باشد. برابری و عدم تبعیض مؤید این امر است که تمام موجودات بشری از ارزش ذاتی برابر برخوردار هستند و «هیچ شخصی به صورت ذاتی برتر از دیگری نیست. همچنین در اتخاذ تصمیمات جمعی باید خیر عمومی با منافع هر شخص به طور برابر مورد توجه قرار گیرد (۲۶)، لذا نمی‌توان فردی را بر فرد دیگر از لحاظ ارزشی مقدم بداریم. بر این اساس، «حق هر کسی بدون تبعیض به بهره‌مندی از همه حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین، امروزه مورد تأکید همه اسناد و قواعد حقوق بشری شده است» (۲۷).

برابری و نگرش عدم تبعیض بنیاد ارزشی زمامداری مطلوب محسوب می‌گردد که سایر مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر اساس آن شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، «همه افراد باید از فرصت‌های برابر» (۲۸) برخوردار باشند. رعایت اصل برابری در بهره‌مندی از محیط زیست و منابع طبیعی و حمایت و صیانت از برابری فرصت و اعمال محدودیت‌های برابر از طرف دولت جهت بهره‌مندی از مواهب زیست محیطی نقش به سزایی در حفظ محیط زیست دارد.

۲-۳- **حاکمیت قانون (The Rule of Law):** از جمله مؤلفه‌های ارزشی مهم حکمرانی مطلوب، حاکمیت قانون است. در پرتو حاکمیت قانون است که حق‌ها مورد ضمانت قرار می‌گیرند و کلیه امور اجتماعی ساماندهی می‌گردد. حاکمیت قانون تعادل بخش دو نگرانی عمده است: از یکسو اختیارات اعطایی به حکومت باید به نحوی باشد که به ساختارها و مقامات حکومتی امکان دهد که کشور را اداره نمایند و از سوی دیگر، لازم است از فراگیری قدرت حکومت جلوگیری شده و از تحدید آزادی‌های اساسی شهروندان توسط عملکردهای اقتدارگرایانه آن جلوگیری گردد. حاکمیت قانون تعادل و توازن این دو نیاز جامعه سالم و دارای سامان را تأمین می‌کند. کارکردهای اصلی حاکمیت قانون، کنترل قدرت سیاسی، انتظام بخشی اداره امور عمومی، تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌باشد.

مهم‌ترین خصیصه اصل حاکمیت قانون این است که قانون بر جامعه و امور عمومی حکومت داشته باشد نه افراد. «حاکمیت قانون حوزه‌هایی را که اقتدار و قدرت سیاسی می‌تواند در آن‌ها شخصی باشد، به شدت محدود می‌کند و حکومت افراد، آن‌ها را به نسبت بسط می‌دهد» (۲۹). در واقع، مفهوم واحد و مشترک حاکمیت قانون و یا «هسته حاکمیت قانون متشکل از ارزش‌های پایدار نظم و محدودیت است که در شعار حکومت قوانین نه حکومت شخص متجلی شده است» (۳۰)، لذا در حکومت قانون برخلاف حکومت شخص که ممکن است منجر به استبداد و تصمیمات خودسرانه شود، احتمال خودکامگی کم‌تر است.

جامعه در سایه قانون و الزامات بایده و نبایده به ساماندهی و نظم اجتماعی می‌رسد و قانونمندی بهترین تأسیس اجتماعی جهت ثبیت و صیانت از حقوق بنیادین خواهد بود، البته رسیدن به چنین غایتی، وضع قوانین عادلانه و متناسب با نیازهای فطری و طبیعی بشر خواهد بود تا به موجب آن قوانین، همه منابع به طور برابر و با رعایت استحقاق‌ها و شایستگی‌ها بین افراد توزیع گردد و در مقابل هر گونه تجاوز و تعدی به حقوق بنیادین، شیوه‌های پیشگیری و جبرانی تعبیه گردد. عدم رعایت الزامات قانونی، قطعاً مخاطرات زیادی نسبت به حق‌های بشری ایجاد خواهد کرد، لذا اگر حق‌ها و استحقاق‌ها مورد حمایت قانون قرار نگیرد یا راهکارهای جبرانی طراحی نشود، حیات بشر و موقعیت فردی و اجتماعی وی در معرض آسیب جدی قرار می‌گیرد. حفاظت از محیط زیست سالم نیز در گرو رعایت الزامات قانونی خواهد بود.

حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که دربرگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (به ویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد. لازم به ذکر است که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فسادناپذیر برای این نظام می‌باشد. نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی، انجام تکالیف شهروندی و دولتی در حفظ محیط زیست در چارچوب قوانین و مقررات عادلانه زیست محیطی می‌تواند موجبات تضمین حق به محیط زیست سالم را فراهم نماید.

۳-۳- مشارکت همگانی (Participation): مشارکت با تأکید بر حق هر فرد در تنظیم سیاست‌ها و اتخاذ معیارهایی برای بهبود وضعیت عمومی جامعه همراه است و لزوم اجرای آن را به دست‌آوردن انتظارات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طلب می‌کند. اندیشه حکومت مردمی مستلزم مشارکت عموم مردم در تولید نظام ارزشی، بایدها و نبایدهای اجتماعی و تدوین قوانین و سیاست‌های عمومی و نقش بارز مردم در مدیریت عمومی کشور می‌باشد. همچنین مؤید امر، نظارت همگانی آن‌ها بر فرایند اداره امور عمومی خواهد بود. بر این اساس «برابری در مشارکت سیاسی و نظارت همگانی»، لازمه برقراری حکمرانی مطلوب است، چراکه عدم حضور مردم در فرایند تصمیمات عمومی در قالب مشارکت و نظارت، بیم خودسری و سوء استفاده از قدرت توسط حاکمان و مجریان افزایش خواهد یافت.

حضور مردم در فرایند قانونگذاری و مدیریت عمومی کشور و نظارت مستقیم و غیر مستقیم در اداره امور عمومی نقش به سزایی در توزیع عادلانه منابع و امکانات عمومی خواهد داشت. تصمیمات خودسرانه و یک‌جانبه حاکمان در توزیع حق‌ها، چندان اطمینان‌بخش نخواهد بود و بیم سوء استفاده از قدرت و بهره‌برداری شخصی و گروهی خواهد رفت، اما حضور مردم در فرایند تصمیمات نظام توزیعی منابع و نظارت آگاهانه و فعالانه مردم بر شیوه توزیع مؤثرترین ساز و کار تضمین حقوق بنیادین بشری و صیانت از محیط زیست سالم خواهد بود.

۳-۴- انصاف (Fairness): انصاف مرتبط با مفهوم بی‌طرفی است، لذا «انصاف هم شامل نظم و قاعده (یعنی اجرای غیر جانبدارانه قوانین) و شامل عقلانیت، یعنی توزیع برابر منابع مربوطه میان ذی‌نفعان، می‌باشد» (۳۱). مقصود از شمول و برابری نیز این است که رفاه در یک جامعه بستگی دارد به اطمینان از این‌که همه اعضای آن احساس کنند که در جامعه سهمی دارند و احساس نکنند که از جریان اصلی جامعه طرد گردیده و کنار گذاشته شده‌اند. این امر

مستلزم آن است که همه گروه‌ها، به ویژه محروم‌ترین و آسیب‌پذیرترین قشرها، فرصت داشته باشند تا رفاه خود را حفظ و رشد و توسعه دهند.

رفتار و رویه دولت و متصدیان خدمات عمومی ارتباط مستقیمی در رعایت حقوق بنیادین بشر دارد. چنانچه آن‌ها در نظام توزیع حق‌ها و امکانات دست به عمکرد و اقدام غیر منصفانه، جانبدارانه بزنند، منابع، امکانات، مواهب طبیعت و زیست محیطی مورد استفاده غیر منطقی افراد خاص می‌شود و محرومیت سایر افراد را در پی خواهد داشت.

۵-۳- مسئولیت‌پذیری (Responsiveness): مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب به شمار آورد. در کنار مؤسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌ها خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان نمود که اصول حکمرانی خوب به صورت زنجیرای متصل به هم بوده و اجرایی‌شدن هر کدام از آن‌ها، مستلزم اجرای سایر اصول می‌باشد. برای مثال نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندان در جامعه داشته باشد.

۶-۳- پاسخگویی (Accountability): پاسخگویی در حوزه سیاسی و حقوقی به معنای تعهد یک فرد است برای پاسخگویی نسبت به انجام مسئولیت‌هایی که به او محول شده است. در تعریف دیگری راندرسون عنوان می‌نماید: «توجیه‌کردن، گزارش‌دادن و تشریح‌کردن جنبه‌های مهم پاسخگویی هستند. پاسخگویی شناخت حقوق عمومی است تا این‌که بدانیم چه اعمالی باید انجام گیرد» (۳۲).

پاسخگویی از جمله ملاک‌های اساسی سنجش مطلوبیت زمامداری محسوب می‌شود. به علت این‌که در نظام مردم‌سالار حق تصمیم‌گیری و قضاوت نهایی در اصل، در خصوص اداره امور عمومی، تشخیص مصالح و منافع عمومی به عهده مردم است که از طریق نمایندگان محقق می‌شود، پس این حق متعلق به مردم است که حاکمان منتخب در قبال این تکلیف، یعنی تأمین خدمات و منافع عمومی پاسخگو باشند که «همراه با آثار حقوقی و سیاسی و اداری لازم باشد» (۳۳) و چنانچه در قبال وظایف و صلاحیت‌های اعطایی قانونی پاسخگوی رفتار و عملکرد خود نباشند، مخاطرات متنوعی را برای حقوق افراد ایجاد خواهد کرد، به ویژه تصمیمات

شخصی و سلیقه‌ای که بدون رعایت موازین قانونی و در کمال مخفیانه‌بودن و در جهت منافع خود اتخاذ نمایند.

پاسخگویی دولت در قبال صیانت از محیط زیست نسبت به مردم و ذی‌نفعان، باعث تضمین انجام وظایف دولت در قلمرو محیط زیست و جلوگیری از نابودی منابع طبیعی توسط دولت و شهروندان می‌گردد.

۷-۳- کارآیی یا اثر بخشی (Efficiency and Effectiveness): کارایی یا اثربخشی

دولت با سیاستگذاری و اجرا به وسیله دولت برای حمایت نظام بازار مورد توجه واقع شده، همچنین به توانایی دولت در قانونگذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخگویی و شفافیت اشاره می‌کند. افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند (۳۴).

از حکمرانی خوب به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می‌شود. کارایی و اثربخشی در مقوله حکمرانی از جمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیشتری پیدا نموده است. مفهوم کارآیی در زمینه حکمرانی خوب دربرگیرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی در جهت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز هست و فقط به معنای فنی کارآیی نیست.

۸-۳- اجماع‌پذیری (Consensus Oriented): در توضیح شاخص اجماع محوری آمده

است: در یک جامعه بازیگران و دیدگاه‌های بسیاری وجود دارند. حکمرانی خوب مستلزم آن است که بین این دیدگاه‌ها و منافع مختلف در سطح جامعه میانجی‌گری صورت گیرد تا بیشترین خیر و بهترین مصلحت برای جامعه و نیز چگونگی دستیابی به آن با حداکثر اجماع ممکن مورد توافق قرار گیرد (۳۵). صیانت از محیط زیست در پرتو ایده بهره‌مندی حداکثری از مسئولیت‌پذیری در برابر محیط زیست، در مسیر معقولی قرار می‌گیرد.

۹-۳- دسترسی به اطلاعات (Access to information): دسترسی به اطلاعات و حق

انتقال آن به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر به رسمیت شناخته شده است. در این راستا فراهم کردن زمینه مناسب برای مردم برای دسترسی به اطلاعات از جمله تکالیف عمده دولت به شمار می‌رود. آنچه در خصوص جایگاه دسترسی به اطلاعات در حکمرانی مطلوب مد نظر قرار

می‌گیرد، عملکرد دولت در خصوص ارائه اطلاعات لازم به مردم در خصوص حقوق بنیادین بشر و در این راستا باید در مقابل مردم پاسخگو باشد.

امروزه دسترسی به اطلاعات، نقش مؤثری در مشارکت آگاهانه و کارآمد در شکل‌گیری و اجرای قدرت و تضمین حقوق بشر دارد. «لازمه تحقق جامعه باز، کاستن از دامنه قدرت دولت در برابر شهروندان و در عین حال اعمال قدرت از سوی مردم و کاستن از خودرایی حکومت، تنها در شرایطی میسر است که مردم از آنچه که حکومت بدان مشغول است، آگاه باشند. از این رو حق دسترسی و انتقال اطلاعات هم ساز و کاری برای اعمال قدرت و توانایی مشارکت آگاهانه شهروندان در جهت تحقق حقوق و آزادی‌های خود و هم تضمینی برای صحت عملکرد دولت، رفتار مبتنی بر قانون و اعمال مشروع قدرت عمومی از سوی آن است» (۳۶).

عدم اطلاع‌رسانی و آموزش صحیح مردم در شناخت از حقوق بنیادین خود و صیانت از محیط زیست سالم و عدم شفاف‌سازی کلیه تصمیمات نظام توزیع درآمد، امکانات، ثروت و حق‌ها، زمینه مساعدی جهت تضییع حقوق افراد و تخریب محیط زیست فراهم می‌نماید، چون در عمل اقدامات خودسرانه حاکمان و افراد سودجو در بهره‌مندی از مواهب طبیعی و حقوق فطری به گونه نابرابر و تبعیض‌آمیز، زمینه را برای برقراری بی‌عدالتی و تضییع حقوق افراد را فراهم می‌نماید.

سری

۱۰-۳- شفافیت (Transparency): شفافیت دارای این مفهوم است که اخذ تصمیمات و اجرای آن‌ها در یک نهاد و سازمان مطابق قوانین، مقررات، صلاحیت‌ها و کنترل‌های خاص انجام شود. همچنین بدان معنا است که اطلاعات به صورتی آزاد، منسجم در دسترس کسانی قرار گیرد که تحت تأثیر چنین تصمیماتی یا اجرای آن‌ها قرار گرفته‌اند و این که اطلاعات کافی آماده شده و در رسانه‌ها و در اشکال ساده و قابل فهم ارائه گردد (۳۷). از این رو شفافیت در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات، ابهام و عدم قطعیت را کاهش می‌دهد و می‌تواند در جلوگیری و کاهش فساد بین اجزای یک نظام نقش به سزایی داشته باشد. عدم شفافیت در وضع قوانین و مقررات و تصمیمات زیست محیطی و عدم توضیح و تشریح تصمیمات برای شهروندان، زمینه هر گونه سوء استفاده از منابع طبیعی را فراهم می‌نماید.

۱۱-۳- نهادهای مدنی (Civil Society): وجود نهادهای مردم نهاد نقش بارزی در تحکیم زمامداری مطلوب و حق‌ها خواهد داشت، چراکه مردم در قالب نهادهای مدنی می‌توانند در فرایند

مدیریت عمومی کشور مشارکت و نظارت داشته و عملکرد مجریان قانون را در راستای تأمین حق‌های بشری، هدایت کنند. از آنجایی که همواره دولت قوی‌تر از مردم به نظر می‌رسد و احتمال استبداد و خودرایی وجود دارد، وجود هیأت‌های واسطه‌ای برای مقاوم‌نمودن مردم در برابر دولت و بیان اراده خود لازم و ضروریست. «بر این اساس، حضور هیأت‌های حائل بین توده‌های بی‌نام از شهروندان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود تا بدین وسیله زمینه مشارکت مؤثر شهروندان در امور اجتماعی و سیاسی فراهم شود. این هیأت‌ها، در عین حال به منزله رابطه و وزنه تعادلی هستند که می‌توانند افکار و اندیشه‌های متنوع و مطرح در جامعه را نهادینه سازند و بدین وسیله راه‌گشای گفتگوی منطقی و مسالمت‌آمیز در یک نظام کثرت‌گرا و دموکراتیک باشند» (۳۸).

در این ارتباط وجود نهادهای مدنی و مردم نهاد همچون احزاب، سازمان‌های غیر دولتی، اصناف، انجمن‌ها، رسانه‌های مستقل و آزاد و... ضمن آگاه‌نمودن مردم از حقوق بنیادین خود و مخاطرات پیش رو و با اعمال فشار سازماندهی شده به مجموعه حاکمیت می‌توانند زمامداران را در صیانت از محیط زیست و رعایت الزامات قانونی وادار به تبعیت نمایند.

تحقق اهداف عالیه زیست محیطی بدون توجه به نقش سازمان‌های غیر دولتی در مراحل مختلف شکل‌گیری هنجارهای زیست محیطی و نظارت و اجرای آن‌ها دشوار است (۳۹). یکی از عمده دلایل خشک‌شدن دریاچه ارومیه، سوختن هزاران هکتار جنگل، آلودگی دریاها ناشی از نبود سازمان‌های غیر دولتی و عدم آگاهی مردم از حقوق اولیه خود است.

بسیاری از تضییع حق‌ها به ویژه مخاطرات زیست محیطی در نتیجه عدم نهادهای نظارتی یا قصور در شیوه‌های درست نظارت، عدم فعالیت نهادهای مردم نهاد در کنترل اقدامات نهادهای دولتی رخ می‌دهد. بنابراین برای پیشگیری و سرکوب جرایم به خصوص جرایم زیست‌محیطی از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی باید استفاده شود و در این بین سازمان‌های غیر دولتی نقش بسیار مثبتی ایفا می‌کنند و در ارتباط با جرایم سبز می‌توانند با حساس‌سازی افکار عمومی و اطلاع‌رسانی نقش مهمی در حمایت از محیط زیست و جلوگیری از جرایم سبز داشته باشند.

نتیجه‌گیری

صیانت از حقوق بنیادین بشر وابسته به نوع و عملکرد نظام حقوقی و سیاسی عادلانه است. صرف به رسمیت‌شناختن حقوق بشر در اسناد قانونی جهت پاسداری کافی نیست، بلکه تضمینات رویه‌ای، ساختاری و کاربردی در جامعه باید تعبیه شود که در این راستا اجرای شاخصه‌های حکمرانی مطلوب به عنوان راهبردی کارآمد می‌تواند از حقوق بنیادین بشری در مرحله تأسیس و اجرا صیانت نماید و مخاطرات نسبت به آن‌ها را کاهش دهد.

عمده آسیب‌های وارده به حقوق بشر و محیط زیست و خسارات زیست محیطی در نتیجه عدم توجه به مؤلفه‌های زمامداری مطلوب و ناکارآمدی دولت در انجام تکالیفش در صیانت از محیط زیست رخ داده است، لذا با اعمال شاخصه‌های به زمامداری می‌توان تضمینات عملی در صیانت از حقوق بنیادین بشر و تدبیری پیشگیرانه در کاهش مخاطرات نسبت به حق‌های بشری و راهبردی مطلوب در صیانت از حق به محیط زیست سالم در جامعه را نهادینه نمود. با بررسی مختصر اکثر موارد نقض حقوق بشر و آسیب‌های زیست‌محیطی این نتیجه حاصل می‌گردد که رویه و رفتار غیر عادلانه نهادهای مسئول در حفظ محیط زیست، عدم رویه منصفانه نظام توزیع منابع و حق‌ها و عدم برخورد مناسب با افراد سودجو و مخرب محیط زیست بوده است و با نادیده‌گرفتن اصول زمامداری مطلوب به ویژه حذف نقش مشارکت و نظارت فعال مردم در مدیریت امور عمومی، نقض قوانین، عدم وجود مدیریت تخصصی، عدم رفتار مسئولانه و شفاف زمامداران و بی‌توجهی به اصول دادرسی منصفانه قضایی و... زمینه ایجاد مخاطرات نسبت به حق‌های بنیادین بشر را افزایش داده است.

References

1. Firoozi M. Basis of Right to Healthy Environment in Quran. Journal of Revaghe Andishe 1384; 42(5): 82.
2. IFAD, Good Governance: an Overview; 2015. Available at: <http://docplayer.net/11994515-Good-governance-an-overview.html>.
3. Integrated ISA, Good Governance: Meaning and Concept; 2015. Available at: <http://www.gktoday.in/html>.
4. Sane M. Good Governance and a New Concept in Governmental Management. Journal of Tadbir 1385; 178(17): 27.
5. Mideri A. Good Governance. Journal of Business Studies 1382; 4: 149.
6. Sharifzade F, Gholipour R. Good Governance and Government Role. Journal of Management Culture 1382; 4: 93.
7. Naderi MM. Good Governance; Introduction and Short criticism. Journal of Islam and Management Studies 1390; 1(1): 71-73.
8. UNDP's Human Development Report; 1992. Available at: <http://hdr.undp.org/en/global-report>.
9. Gholipour R. Analysis and Possibility of the Good Governance Pattern in Iran on Focusing Government Role. Journal of Management Knowledge 1383; 67(17): 87.
10. UN Commission on Human Rights, The role of good governance in the promotion of human rights, resolution; 2000. Available at: <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Development/GoodGovernance/Pages/GoodGovernanceIndex.aspx>.
11. Komijani A. Rewiring the Governing Impact on Economic Development in Selected Countries and Iran. Journal of Management 1387; 20(7): 27.
12. Daniel A. Human Rights and Democracy in East Asia, Princeton: University Press; 2000. p.15-34.
13. Rosenbourn AS. The Philosophy of Homan Rights, USA: Greenwood Press; 1980. p.78.
14. Boyle A. Human Rights and International Environmental Law: Some Current Problems. 2015. Available at: <http://www.eui.eu...pdf>.
15. Mashadi A. The Philosophical Foundations of Human Environment. Journal of Islamic Law 1391; 36(13): 48.

16. Rahmatolahi H, Shirzad O. Right to Healthy Environment in Judicial Proceeding of Administrative Court of Justice. Journal of Islamic Human Rights Studies 1393; 6(3): 103.
17. Pathak P. Human Rights Approach to Environmental Protection. OIDA International Journal of Sustainable Development 2014; 7(1): 17-24.
18. Parsa AR. Environment and Human Rights. Journal of Economic-Politics Information 1378; 135-136: 130.
19. Firoozi M. Basis of Right to Healthy Environment in Quran. Journal of Revaghe Andishe 1384; 42(5): 66-69.
20. Eftekhari Jahromi G. Right to Environment on Focusing to Right to Accesses to Environmental Information. Tehran: The First Environmental Law Conference of Iran; 1382.
21. Abbasi B. Human Rights and the Fundamental Freedoms. Tehran Dadgostar Publication; 1390. p20-35.
22. Vakili AS, Asgari P. Third-Generation Human Rights. Tehran: Majd Publication, 1383. p.86.
23. Shelton D. Human Rights. Health & Environmental Protection: Linkages in Law & Practice; 2002. Available at: http://www.who.int/hhr/Series_1%20%20Sheltonpaper_rev1.pdf.
24. Institute for Democracy and Human Rights, Human Environmental law. 2nd ed. Tehran: Dadgostar Publication; 1391. p.259.
25. Nagel T. Equality; Readings in Social and Political Philosophy. Edited by Robert M. Stewart. Oxford: Oxford University Press; 1996. p.272.
26. Fesharaki H. On the Democracy. Dal, Robert(Author). Tehran: Shiraze Publication; 1378. p.87.
27. Smith Rhone KM. Human Right's. Oxford: Oxford University Press; 2005. p.97.
28. Khezri M. Equality of Opportunity. Roemer, John E(Author). Tehran: Strategic Studies Institution Publication; 1382. p.15-54.
29. Jandaghi B. Political philosophy. MacCallum, Gerald Cushing(Author). Qom: Ketabe Taah; 1383. p.317.

30. Markaz Malmiri A. The Rule of Law; Concepts, basis, and Conceptions. Tehran: The Parliament Studies Center; 1385. p.31.
31. Elklit J, Svehsson P. What Makes Election Free and Fair? Journal of Democracy 1997; 8(3): 35.
32. Rashidpour A. Accountability and Accountable State. Journal of Tadbir 1384; 160: 23.
33. Zaree MH. The Process of Democratization, Accountability and Governmental Management. Journal of Mofid Letter 1380; 9(3): 122.
34. Azarpayvand Z, Mobarak A. A Review to Elements of Good Governance in the Light of Islam and Its Impact on Economic Development. Journal of Islamic Economy 1388; 36(9): 192.
35. Naderi MM. Good Governance; Introduction and Short criticism. Journal of Islam and Management Studies 1390; 1(1): 78.
36. Mustafa F. Constitutional Issues in Freedom of Information. New Dehli: Kaniska Publication; 2003. p.8.
37. Center for Studies and Education of NGOS of Iran. Journal of Volunteer 1384; 16-17: 16.
38. Hashemi SM. Civil Society and Political System. Journal of Legal Research 1377; 23-24: 62.
39. Ramezani MH. Prevention and Repression of Environmental Crimes in the Light of NGOS Actions in Legal System of Iran. Legal Journal of Ministry of justice 1390; 75: 201.